

آیا به موازات جنگ لبنان خطر حمله نظامی به ایران فزونی میگیرد؟

مصاحبه هفته نامه فرایتاگ با محسن مسرت*
استاد علوم سیاسی و کارشناس خاورمیانه

بفارسی از حمید بهشتی

<http://www.freitag.de/2006/32/06320301.php>

فرایتاگ – آیا جنگ لبنان موجب سخت شدن موضع ایران در مسأله اتمی است؟

محسن مسرت – بیم آن میرود که چنین باشد. زیرا حزب الله فقط مورد حمایت ایران نمی باشد، بلکه برای ایران وزنه ای نظامی نیز به حساب می آید که موجب برقراری تعادل قوا در مقابل قدرت نظامی برتر که اسرائیل باشد، میگردد. اگر قرار باشد، همانگونه که اسرائیل از مدتها پیش برنامه ریزی نموده است، حزب الله حذف گردد، در این صورت در دستگاه رهبری ایران گروهی مسلط خواهند شد که معتقدند ایران نباید گزینه تسلیحات هسته ای را رها نماید. لذا رابطه مستقیمی میان مسأله هسته ای ایران و مسأله لبنان می باشد.

- این بدان معنا است که رهبری ایران اقرار می کند، که عدم چشم پوشی این کشور از غنی سازی اورانیوم به دلیل اینست که نمی خواهد گزینه استفاده تسلیحاتی را کنار بگذارد.

- من برداشت دیگری دارم. زیرا ایران همچنان اعلام خواهد کرد که غنی سازی اورانیوم را بخاطر تولید نیرو، ضروری دیده و از این حق خویش صرف نظر نخواهد کرد.

- شورای امنیت سازمان ملل به ایران تا 31 ماه اوت فرصت داده است تا در باره پیشنهاد توافق مطروحه در باره مشکل هسته ای تصمیم گیری نماید. به نظر شما تصمیم ایران چگونه خواهد بود؟

- این بستگی دارد به شرایط مطروحه در آن پیشنهاد توافقی. اگر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا واقعاً اساس جدیدی در پیشنهاد خویش ملحوظ کرده باشند، در اینصورت دلائل ممکن برای رد کردن آن، کمتر به لحاظ استدلالی قابل طرح بوده و بیشتر جنبه حفظ آبرو خواهند داشت. البته این امکان هم وجود دارد که آمریکا و دول سه گانه اتحادیه اروپا، یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان مجدداً توافقهائی ظاهری مطرح نمایند

و این بدون برو برگرد موجب پاسخ منفی ایران خواهد گشت. از قرار معلوم احتمال این گزینش بیشتر است. علی لاریجانی در بیانیه اخیر خود این مطلب را تأیید کرده است. حال اگر تا 31 ماه اوت قرار باشد تصمیمی از جانب ایران گرفته شود، به نظر من این موجب خواهد شد که فشار بر ایران فزونی یافته و به لحاظ افکار عمومی زمینه برای ایجاد درگیری های آتی آماده گردد.

- **آیا منظور شما آنچهان قطعنامه ای از جانب سازمان ملل است که مبتنی بر**

فصل هفتم منشور این سازمان بوده و به واسطه آن استفاده از قدرت

نظامی را به عنوان آخرین وسیله مجاز می شمارد؟

- بله، اما این بستگی دارد به آنکه تا چه میزان چین و روسیه پایداری نمایند و همچنان در مقابل استفاده از این وسیله نهائی مقاومت کنند.

- **آیا به موازات جنگ لبنان مجدداً خطر حمله به ایران رو به فزونی است؟**

- بیم آن میرود که چنین باشد. اتهامات شدیدی که از جانب اسرائیل و آمریکا به ایران وارد می شود که حزب الله را تحریک کرده و می گرداند، ممکن است برنامه ریزی روانی باشد برای طرح B و برای وضعی که روسیه و چین در شورای امنیت همچنان مقاومت نماید. در اینصورت امکان حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، بدون آنکه قطعنامه ای از سازمان ملل در دست داشته باشند، وجود دارد، البته با حمایت فعال و یا منفعل انگلستان و شاید هم آلمان.

- **آیا این تبیینی برای رویکرد آشتی ناپذی که آمریکا فعلاً در حمایتش از**

اسرائیل دارد، نیست؟

- البته که هست، اما ارتباط شدیداً صمیمانه این دو کشور را باید مورد بررسی قرار داد، بدین قرار که بدون اسرائیل به عنوان متحد طبیعی آمریکا در منطقه، هیچ پایگاهی برای حاکمیت آمریکا در خاورمیانه باقی نخواهد ماند و آمریکائیان نیز بدون اسرائیل با موقعیت نظامی برتر خود در منطقه مجبور خواهند بود از هژمونی خود در منطقه صرفنظر نمایند. در مقابل آن، اسرائیل بر این باور است که به نوع بنیادی وابسته حمایت از آمریکاست. به نظر من این وابستگی دو طرفه آنچهان بنیادین است که آمریکا به خاطر یک چنین متحدی که در آینده نیز باید همچنان از برتری قدرت نظامی برخوردار باشد، از هیچ کردار بیشرمانه ای نیز خودداری نخواهد کرد.

- **آیا به نظر شما توافق دوجانبه ای قابل تصور است که غرب حاضر به دادن**

امتیازاتی به ایران در قبال مسأله هسته ای باشد در صورتیکه ایران به حزب

الله دستور دهد که اسلحه هایش را در لبنان بر زمین گذارند؟

- به عقیده من ایران نمی تواند به سادگی به حزب الله دستور دهد، زیرا حزب الله با وجود تمامی ارتباط محکمی که با ایران دارد، بیش از آنها مستقل و متکی بر خویش است که بدین گونه عمل کند. با اینحال این موضوع بسیار مهمی است. برداشت من

اینست که حاکمیت ایران بیشتر به این تمایل دارد که حزب الله را به اعتدال دعوت نماید، تا تبلیغات غرب را مبنی بر اینکه توسط حزب الله جنگی را علیه اسرائیل به راه انداخته است، خنثی نماید. سیاستمداران مجرب ایران بسیار بیمناک اند از اینکه در جبهه ای سوّم قرار گیرند. آنها با مشاهده غرور بی نهایت آمریکا و اسرائیل در عملکرد آن دو، به خوبی می دانند که کشورشان در معرض خطر جدّی قرار دارد.

- **شما لفظ جبهه سوم را بکار بردید. جبهه های اول و دوم کجا بودند؟**
- جنگ اسرائیل با حماس جبهه اول است؛ جنگ اسرائیل با حزب الله جبهه دوم بوده و جبهه سوم ایران خواهد بود در مقابل اسرائیل به اضافه آمریکا.
- **سه جبهه ای که کنترل آنها برای حاکمیت ایران، چنان که از قرائن بر می آید، خارج از توان آنهاست.**

- به گمان من نیز چنین است. بگذریم از اظهارات اغراق گویانه رئیس جمهور احمدی نژاد که مسلماً در تهران همه تصمیم ها را او نمی گیرد. کسان دیگری نیز در اتّخاذ تصمیمات مؤثر بوده و آنها خیلی بیش از آن واقع بین هستند که نبینند چه خطراتی در جنگ لبنان برای ایران نهفته است.

- **مگر در حال حاضر دیگر از چیزی نیز میتوان جلوگیری کرد؟ با توجه به شدت عملی که اسرائیل به خرج می دهد، اعتدال در عکس العمل حزب الله فایده چندانی نخواهد داشت - هدف آنها تسلیم شدن حزب الله است. به نظر شما انگیزه تحریک اسرائیل از جانب حزب الله چه بوده است؟**

- من فکر می کنم یک انگیزه منطقی در کار بوده است. با گروگانگیری آن دو سرباز اسرائیلی قصد حزب الله پشتیبانی از حماس بود. به یاد داشته باشیم که فلسطینی ها در سرزمین زیر نفوذ خود در چه وضعیتی بوده اند. اتحادیه اروپا پرداخت های خود به فلسطینی ها را قطع کرده و بدین وسیله آنها را به جان یکدیگر افکنده بود. روشنتر بگویم، به نظر من یک ارتباط مستقیمی میان سیاست اتّخاذی اتحادیه اروپا در قبال فلسطینی ها و اوج گیری برخورد ها در نوار غزه وجود دارد. شاخه سیاسی حماس تحت چنین شرایطی در اواخر ماه ژوئیه با دوراندیشی کافی حاضر به امضا کردن نوشته 18 ماده ای مردان برتولی و سایر سیاستمداران فلسطینی شده بود که مانند آنها اسرائیل را بطور غیر مستقیم به رسمیت بشناسد و بدین ترتیب از جنگ داخلی جلوگیری نماید. اما شاخه نظامی آن حاضر نبود بدین امر تن در دهد. به همین جهت نیز به گروگانگیری آن سرباز اسرائیلی موسوم به گیلاد شالیت دست زد. به دنبال آن، پس از آنکه ارتش اسرائیل در نوار غزه به خشم خویش میدان داد، اینجا برای حزب الله همدردی با حماس تبدیل به مشروعیت خود در انظار طرفداران سرسختش شد، زیرا حماس نزدیکترین متحد طبیعی حزب الله به حساب می آید و لذا رهبری حزب الله نمی توانست حملات خانمانسوز اسرائیل به غزه را نادیده بگیرد.

- **و این بهانه ای به دست اسرائیل داد تا در جبهه دوم در مقابل لبنان وارد به جنگ شود.**

- همینگونه است که گفتید. اما من این را نیز بدان بیافزایم که بدین ترتیب حماس و حزب الله مشکل موجود میان اسرائیل و فلسطین را به آن میدان سیاسی انتقال دادند که محل رسیدگی بدان نیز همین میدان سیاسی است. زیرا بخوبی قابل تشخیص است که تا چه میزان درگیری سوریه و اسرائیل و نیز درگیری ایران و اسرائیل با درگیری فلسطین به همدیگر گره خورده اند. به همین جهت هم راه حل های مجزا در رابطه با حماس یا حزب الله جواب نمی دهند. وضع حاضر یک بار دیگر به ما نشان می دهد که راهیابی برای کل مجموعه ی منطقه دارای چه میزانی از اهمیت می باشد. و این تنها با تشکیل کنفرانس دائمی در زمینه همکاری و امنیت مشترک برای خاورمیانه و خاور نزدیک عملی است. تا زمانیکه این کنفرانس بوجود نیاید، دائماً این درگیری ها تجدید شده و هنوز یکی تمام نشده ، درگیری بعدی آغاز میگردد.

- **نظر شما در باره اتهام وارده از سوی فرماندهی قوای اسرائیل چیست که مدعی شد حزب الله مردم را در جنوب لبنان سپر بلای خود کرده است؟**

- تا کنون اسرائیل هیچگونه دلیلی برای این مدعای خویش نتوانسته است ارائه کند. زیرا ارتش آنها با عکس برداری های هوایی که روزانه از لبنان می کنند، اگر دلیلی در این زمینه در دست میداشت، به سادگی می توانست آنها رو کند. علاوه بر این به عقیده من این ادعاها بدین دلیل نیز فاقد صحت می باشند، که مردمی که در جوار پایگاه های موشک های حزب الله زندگی می کنند - اگر چنانچه این موشکها از مناطق مسکونی آنها پرتاب می شدند، می دانستند که اینکار برای آنها موجب خطر بوده و لذا آن مناطق را ترک می گفتند. این ادعائی که اسرائیل مطرح می کند، از هر نظر که فکر کنید با عقل جور در نمی آید و تنها بدین خاطر عنوان می گردد که آواره نمودن صدها هزار لبنانی و کشتار زنان و کودکان را به لحاظ اخلاقی برای خود توجیه کنند.

- **آیا با پیشروی اسرائیلی ها در لبنان امکان وجود کشور فلسطینی رو به صفر می رود؟**

- در کوتاه مدت، بله. اما به نظر من درست در حال حاضر اراده فلسطینی ها و نیز عرب های رادیکالیزه شده و مسلمانان منطقه، بی نهایت قوت یافته که تسلیم نگردند. چرا که هویت و کرامت انسانی اهالی منطقه به بازی گرفته شده است ، منطقه ای که دارای تاریخی افتخار آمیز است. جنگ لبنان به هیچ وجه ضرورت یک راه حل درازمدت را مرتفع نمی سازد، بلکه ارتباط موجود میان محورهای متعدد درگیری موجب می گردد که ضرورت یک چنین راه حلی بیش از پیش نمایان گردد. پرسش اینجاست که آیا در

غرب به اندازه كافي سياستمداران واقع بين و با جرأت وجود دارد كه بدنبال چنين راه حلي باشند؟

- **آيا تجديد حيات شوراي چهارگانه خاورميانه، متشكل از آمريكا، روسيه، اتحاديه اروپا و سازمان ملل متحد، كه وزير خارجه سابق آلمان، يوشكا فيشر پيشنهاد آنرا داده است، راهي بدين سو مي باشد؟**

- سئوال اين است كه اين شوراي چهارگانه چه وظيفه اي را مي بايست به عهده گيرد؟ آيا همانگونه كه در سابق عمل مي نمود، به راه حل بي خاصيت موسوم به رُد مَپ Road Map پاي بند بماند؟ كه آنرا بايد کنار نهاد. رُد مَپ چيزي بجز يك طرح اسرائيلي نبود. بر طبق اين طرح، فلسطيني ها مي بايست اول از بكار بردن تنش خودداري نمايند و با به رسميت شناختن اسرئيل بسيار به تمكين افتند ، در حاليكه اسرئيل پذيرش كشور فلسطين را، آن هم به سان تني بدو سر ، فقط به عنوان يك گزينش ممكن مي پذيرفت. فيشر مي بايست بالاخره اين را درك كند كه ادامه كمك بدون قيد و شرط به اسرئيل، اين كشور را در ادامه سياست اعمال زور و خشونت خود گستاخ تر مي كند. و اين نهايتاً به فاجعه مي انجامد، فاجعه اي كه فاصله مان با آن بسيار اندك است.

- **هنگاميكه سخن از حمايت تقريباً بي چون و چراري آمريكا از اسرئيل به ميان مي آيد، بلافاصله بايد بدان افزود كه موضع رسمي آلمان تفاوت بسيار ناچيزي با آن دارد. دليلي آن چيست؟**

- دليل آن اينست كه دولت آلمان و به عبارت ديگر خانم مركل و آقاي اشتاين ماير و نيز شماري از ساير سياستمداران SPD تصميم گرفته اند كه با ايالات متحده آمريكا در كليۀ مسايل مربوط به سياست خارجي، وحدت عمل نشان دهند، به ويژه در زمينه امور مربوط به خاورميانه و خاورنزديك. و اين معني ديگري نمي دهد بجز اينكه نسبت به نظام هژموني طلب آمريكا تمكين نمايند.

مصاحبه كننده: لوتس هردن Lutz Herden

آنچه تا كنون از پيشنهاد توافق با ايران به اطلاع عموم رسيده است بدين قرار مي باشد:

- پذيرش حق ايران به استفاده از انرژي هسته اي،
- عرضه نمودن يك دستگاه رآكتور هسته اي مبتني بر آب سبك،

- تأمین نیروگاه هسته ای ایران با میله های سوخت هسته ای،
- مجاز شمردن ایران به فعالیت مجدد غنی سازی، به شرط کنترل دائم آن،
- وارد کردن ایران به سیاست امنیت منطقه ای،
- گسترش روابط تجاری با ایران به گونه ای که ایران در رابطه با گمرک همانند سایر
- اعضاء سازمان تجارت جهانی، طرف معامله گردد،
- حمایت از سرمایه گذاری و همکاری در صنایع نفت و گاز و نیز در انتقال تکنولوژی به ایران.

* محسن مسرت استاد سیاسی در دانشگاه Osnabrueck ، فعال سیاسی در جنبش صلح و از بنیانگذاران جمعیت ائتلاف حامی زندگی و صلح Koalition fuer Leben und Frieden ، صاحب شماری تألیفات در زمینه روابط اقتصاد بین الملل، خاور نزدیک و خاور میانه و نیز پژوهش هایی در رابطه با صلح و درگیری می باشد. از جمله جهانی شدن و تداوم - عناصر نظام جهانی، نظام جهانی آمریکائی - هژمونی و جنگ بر سر نفت - سردرگمی رفرم اکولوژیک مالیاتی (در آلمان)